

گزارش

مرتضی گل‌پور
دبیر گروه سیاسی

دولت به مسأله آلودگی هوا چگونه نگاه می‌کند و برای رفع آن چه کرده است، یا این که قرار است چه بکند؟ نوع پاسخ به این سوالات به نوبه خود نوع رابطه متقابل جامعه و ساختارهای حکمرانی، به‌خصوص دولت را نیز مشخص می‌کند. به این معنی که در این روزهای آلودگی هوا، جامعه به صورت روزمره درگیر معضلی است که کیفیت زیست روزانه و مطلوبیت سلامت جسمانی آن را تهدید می‌کند. جامعه در پی آن است تا دریابد نوع واکنش، نوع نگاه و نوع تحرک و اقدامات دولت به مثابه عضو مهم نظام حکمرانی نسبت به مسأله‌های آن چیست؟ آیا این مسأله او را به تحرک واداشته و گامی برداشته است، یا اینکه دولت نیز همچون مردم در انتظار باد و باران است تا قدری از آلودگی محیط زیست او بگاهد؟ در دولتی که یک پزشک رئیس دولت باشد، طبیعی است که سلامت مردم، به ویژه آلودگی هوا جزو اولویت‌های نخست دولت قرار بگیرد. اما مسأله فقط این نیست که الزامات پزشکی مرتبط با سلامت مردم محرک دولت و رئیس جمهوری برای پیگیری حل این مسأله باشد. شواهد نشان می‌دهد دولت این مسأله را از منظر حقوق شهروندی و از منظر حق ایرانیان برای برخورداری از زیست‌بهدیه و مطلوب دنبال می‌کند. اما انباشت طولانی مدت مسأله‌ها، زمینه ایجاد و اجرای اقدامات عاجل که به فوریت مسأله را رفع کند، از میان برده است. تاریخ طولانی ایجاد و انباشت مسأله، یافتن راه حل‌ها و اثربخشی راه حل‌ها را نیز طولانی کرده است.

نگاه دولت چهاردهم به مسأله آلودگی هوا
در میان همه برنامه‌های راهبردی دولت چهاردهم، اگر بخواهی‌فقط یک برنامه را نام ببریم که دولت و شخص رئیس جمهوری به آن اهتمام ویژه دارند و آن را در قیاس با سایر برنامه‌ها در اولویت قرار می‌دهند؛ مسأله کاهش آلودگی هواست. شخص رئیس دولت چهاردهم به طور ویژه این راهبرد را دنبال می‌کند؛ مسعود پزشکیان. علت این تأکید ویژه شاید این باشد که رئیس جمهوری پزشک است و این دانش و سابقه تجربی و عملی در حوزه سلامت، باعث شده است پزشکیان مسأله آلودگی هوا را به صورت ویژه دنبال کند. در همین راستا، سخن اخیر قائم‌مقام مبنی بر اینکه «اگر آلودگی هوا بیش از این میزان شود، کشتار می‌کند» فقط اظهارنظر رسانه‌ای یک مسئول نبود. اظهارنظر معاون رئیس جمهوری است که جایگاه مدیریت سطح عالی دارد که نشان می‌دهد این مدیر عالی‌رتبه دولت، هم اهمیت ملی این مسأله را می‌داند و هم راهکارهای ملی آن را دنبال می‌کند. اما نباید فقط به اظهارنظر بسنده کرد. غیر از این اظهارنظرها، چه شواهدی وجود دارد، یا بر چه اساسی می‌توان ادعا کرد که دولت

چهاردهم نسبت به حل مسأله آلودگی هوا اهتمام ویژه دارد و آن را مسأله‌ای در کنار سایر مسائل محیط زیستی نمی‌بیند؟ این شواهد و ادله را باید در رفتار دولت چهاردهم در پاپیز سال گذشته ارزیابی کرد. پاپیز ۱۴۰۳ کمتر از ۳ ماه از فعالیت دولت چهاردهم نگذشته بود که دولت با تأکید و حمایت رئیس جمهوری و با راهبری معاون اجرایی رئیس جمهوری یک تصمیم راهبردی گرفت: توقف مازوت سوزی. ۱۶ آبان ماه قائم پناه اعلام کرد که «بنا به دستور رئیس جمهوری، مازوت سوزی در سه نیروگاه در اراک، کرج و اصفهان متوقف شده است.» وی در همین اظهارنظر، با اشاره به تأثیر توقف این مازوت سوزی در بروز خاموشی مقطعی برق، گفت: «از همه مردم به خاطر این مسأله عذرخواهی می‌کنم. واقعاً چاره‌ای نداریم. ما راضی نیستیم این سم (آلودگی ناشی از مازوت سوزی) در شهرهایی مثل اصفهان، کرج، اراک و شهرهای دیگر تولید شود و ترجیح دادیم خاموشی مختصری به طور منظم و با اطلاع قبلی در طول شبانه‌روز اتفاق بیفتد.» البته قضیه به این سادگی نبود. یعنی تصمیم به توقف مازوت سوزی و اجرای این تصمیم به سادگی همین اظهارنظر قائم پناه در مقام معاون اجرایی رئیس جمهوری نبود. در «جلسه کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا» که این خبر بعد از آن اعلام شد، بحث‌های زیادی درگرفت و عده‌ای از اعضای دولت که در این جلسه هم حاضر بودند، به طور جدی مخالف این تصمیم بودند. کار به حدی بالا گرفت که در نهایت، قائم پناه ناچار شد برای مقابله با

مخالفت‌های دیگر اعضای جلسه، اعلام کند که توقف مازوت سوزی دستور رئیس جمهوری است و من هم نمایندنده رئیس جمهوری در این جلسه هستم. پس این تصمیم باید اجرا شود.» پس از آن جلسه، بحث زیادی در رسانه‌ها در گرفت مبنی بر اینکه دولت بین خاموشی‌های مقطعی و سلامت مردم، سلامت مردم را انتخاب کرده و این را نیز به صورت شفاف اعلام کرده است. البته نباید از کنار این واقعت گذشت که مدتی بعد از این تصمیم، یعنی زمانی که آشکار شد به دلیل کارشکنی‌ها و خرابکاری‌های رژیم صهیونیستی (آن‌طور که وزیر نیرو بعدها اعلام کرد) اشکالات جدی در فرایند ذخیره‌سازی سوخت در کشور وجود داشته و دولت برای جلوگیری از بروز خاموشی‌های بیشتر در شهرها و صنایع، ناچار شده است بار دیگر مازوت سوزی را از سر بگیرد. وقتی که این اتفاق افتاد و مازوت سوزی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع آلاینده‌ی در برخی کلان شهرها آغاز شد، رئیس جمهوری دوم بهمن ماه ۱۴۰۳ بابت این مسأله از مردم عذرخواهی کرد. پزشکیان گفت: «منی خواستیم مازوت بسوزانیم، ولی مجبور شدیم... برای سوزاندن مازوت شرمندۀ مردم هستیم، دلمان نمی‌خواست این اتفاق افتد ولی چاره‌ای نداشتیم... اگر این کار را نمی‌کردیم، باید گاز خانه‌های مردم را قطع می‌کردیم.»

راهکارهای چند بعدی دولت
اما راهکار دولت برای رفع و مدیریت آلودگی



«ایران» نسبت دولت و جامعه در آلودگی هوا را بررسی کرد

نگاه ملی به مسأله ملی

هوا فقط توقف مازوت سوزی نبود که در نهایت آن را هم به دلیل ناترازی و خرابکاری در تأمین سوخت نمایندۀ رئیس جمهوری در این جلسه هستم. پس این تصمیم باید اجرا شود.» پس از آن جلسه، بحث زیادی در رسانه‌ها در گرفت مبنی بر اینکه دولت بین خاموشی‌های مقطعی و سلامت مردم، سلامت مردم را انتخاب کرده و این را نیز به صورت شفاف اعلام کرده است. البته نباید از کنار این واقعت گذشت که مدتی بعد از این تصمیم، یعنی زمانی که آشکار شد به دلیل کارشکنی‌ها و خرابکاری‌های رژیم صهیونیستی (آن‌طور که وزیر نیرو بعدها اعلام کرد) اشکالات جدی در فرایند ذخیره‌سازی سوخت در کشور وجود داشته و دولت برای جلوگیری از بروز خاموشی‌های بیشتر در شهرها و صنایع، ناچار شده است بار دیگر مازوت سوزی را از سر بگیرد. وقتی که این اتفاق افتاد و مازوت سوزی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع آلاینده‌ی در برخی کلان شهرها آغاز شد، رئیس جمهوری دوم بهمن ماه ۱۴۰۳ بابت این مسأله از مردم عذرخواهی کرد. پزشکیان گفت: «منی خواستیم مازوت بسوزانیم، ولی مجبور شدیم... برای سوزاندن مازوت شرمندۀ مردم هستیم، دلمان نمی‌خواست این اتفاق افتد ولی چاره‌ای نداشتیم... اگر این کار را نمی‌کردیم، باید گاز خانه‌های مردم را قطع می‌کردیم.»

راهکارهای چند بعدی دولت
اما راهکار دولت برای رفع و مدیریت آلودگی

سیاسی

راهبرد است که برق پاک، که گاهی می‌تواند از سوزاندن گاز هم به دست بیاید، به منبع اصلی انرژی در کشور، از خانه تا کارخانه تبدیل شود. اما سایر پروژه‌های دولت، اعم از برق‌سازی خودروها و موتورسیکلت‌ها، ایجاد بازار گواهی صرفه‌جویی یا از رده خارج کردن خودروهای فرسوده با سرعت مطلوبی پیش نمی‌رود. اما این به معنی توقف این پروژه‌ها نیست. بلکه حکایت از آن دارد که چندبعدی بودن مسأله آلودگی هوا، راه‌حل‌ها را نیز چندبعدی کرده و همین امر باعث می‌شود تا تصمیم ساز زمان بیشتری را صرف ایجاد همکاری و تعریف بستر و زمینه‌های کار مشترک میان چندین و چند دستگاه مختلف کند.

آلودگی هوا و دیگر مسأله‌های انباشته
وضع هوا خوب نیست و آلودگی آن غیرقابل تحمل و برای همین است که دولت برای حفظ سلامت شهروندان، به ناچار راه‌های بسیار کوتاه مدت مانند تعطیلی شهرها، مدارس و اداره‌ها را انتخاب می‌کند. با وجود این، به نظر می‌رسد یک یا چند عامل باعث افزایش اثرات روانی آلودگی هوا بر ذهن یا افکار جامعه شده است. این علت یا علت‌ها، وجود مسائل دیگر مانند تورم، سختی معیشت و حتی بحران کمبود آب است. به دیگر سخن، که وزن هریک بر دیگری هم تأثیر بگذارد و به این ترتیب، مثلاً وزن آلودگی هوا همراه با وزن سختی معیشت یا وضع بنزین احساس شود. طبیعتاً شدت احساس مسأله آلودگی هوا در این شرایط، بسیار بیشتر از زمانی است که فقط پای مسأله آلودگی هوا در میان بود. اما مسأله این است که همزمانی مسأله انباشت شده آلودگی هوا، با دیگر مسأله‌های انباشت شده مانند بنزین، معیشت و آب، نه تنها برای مردم بلکه برای دولت نیز احساس می‌شود. به عبارت دیگر، همچون مردم که مسأله‌ها را باهم احساس می‌کنند، دولت نیز می‌بایست همزمان برای این مسأله‌ها به دنبال راه‌حل باشد. این درحالی است که همزمانی مسأله‌ها، یافتن راه‌حل‌های همزمان را به مراتب دشوار می‌سازد. زیرا راه‌حل‌های همزمان به معنی تقسیم ظرفیت‌ها و تقسیم منابع دولت، اعم از منابع اداری و مالی برای حل مسأله است. این امر می‌تواند از سرعت اجرای راهبردها در هر حوزه، اعم از آب، هوا و معیشت بگاهد. به نظر می‌رسد در پاسخ به چنین شرایطی است که دولت و ویژه شخص رئیس جمهوری سعی دارند توان بیشتری را صرف حل مسأله‌های کشور و مردم کنند.

هوا می‌آید

بنا به تصویر ارائه شده، می‌توان گفت هم دولت و هم جامعه در تکاپوی بهبود امور - اینجا حل مسأله آلودگی هوا- است. اما اینکه هوای پاک چه زمانی می‌آید، در گرو فهم ملی این مسأله است که این مسأله‌ها اساساً ملی هستند و هر بخشی، از دولت و جامعه یا دیگر نهادها، نقشی و سهمی از آن دارد. دولت سر ایستادن ندارد، اما سؤال این است که چه بخشی و چه کسی سر آن دارد که به دولت ببیوند؟

آغاز دوره جدید امنیت منطقه‌ای

فداحسین مالکی سفیر سابق ایران در افغانستان و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس 	فداحسین مالکی سفیر سابق ایران در افغانستان و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس 	
در اجلاس شهرپورماه امسال سران کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی شانگهای، رویکرد کشورهای عضو در مقایسه با اجلاس‌های پیشین خود کاملاً متفاوت بود. این تحول پس از حلات شدید و وحشیانه رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران رخ داد. این حادثه نقطه عطفی در رفتار سیاسی و امنیتی این سازمان ایجاد کرد و واکنش جدی و هماهنگ کشورهای عضو شانگهای را در پی داشت. اعضا به‌صورت جمعی بیانیه‌ای صادر کردند که در آن اقدام رژیم صهیونیستی محکوم شد و علاوه برآن، حمایت آمریکا از این حملات نیز مورد انتقاد قرار گرفت؛ رویدادی که از منظر دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تأمل و تحلیل است.		
در کنار این بیانیه واحد، شاهد انتشار یک بیانیه مشترک میان ایران، چین و روسیه نیز بودیم که در پی تصمیم غربی‌ها برای فعال کردن «اسنپ‌ک» علیه کشورمان رخ داد. این موضوع نشان داد که سازمان شانگهای در حال رسیدن به سطحی از انسجام و اراده سیاسی است که می‌تواند نسبت به رفتارهای بی‌ثبات‌کننده برخی کشورها، موضع‌گیری‌های روشن‌تری اتخاذ کند. به دیگر سخن، سازمان شانگهای پس از تجاوز به جمهوری اسلامی ایران در عمل نشان داد که نسبت به تهدیدات امنیتی واقعی منطقه حساسیت دارد و می‌خواهد نقش فعال‌تری در واکنش به رفتارهای مشکل‌ساز و تهدیدآمیز بازی کنند. این تحول را نباید اقدامی مثبت، سازنده و مهم در مسیر تقویت چندجانبه‌گرایی و امنیت جمعی دانست.		
از سوی دیگر، مسأله مبارزه با تروریسم همچنان یکی از محورهای ثابت و اساسی در دستورکار سازمان همکاری شانگهای است. رزمایشی که قرار است در شمال شرق ایران برگزار شود، از این منظر دارای اهمیت است. زیرا جمهوری اسلامی ایران در چند دهه گذشته نقشی محوری و تعیین‌کننده در مبارزه با گروه‌های تروریستی ایفا کرد و در عمل بار سنگینی از مقابله با جریان‌های افراطی و تهدیدات امنیتی منطقه‌ای را بر دوش کشید. این نقش آفرینی ایران نه تنها به امنیت داخلی و ثبات کشورهای همسایه کمک کرد، بلکه آثار آن به شکل مستقیم در ارتقای امنیت بین‌المللی نیز قابل مشاهده بوده است.		
باوجود این، آنچه مایه تأسف و تعجب است، وجود یک دوگانگی آشکار در برخورد برخی قدرت‌ها با مسأله تروریسم است. از یک طرف کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که هزینه‌های انسانی، مالی و سیاسی جدی در مبارزه با تروریسم پرداخت کرده‌اند و همچنان در این مسیر فعال‌اند؛ و از سوی دیگر شاهدیم کشورهایی که خود به ایجاد ناامنی، رفتارهای خشونت‌آمیز و حتی حملات گسترده علیه مردم غیرنظامی دست می‌زنند- مانند رژیم صهیونیستی و جنابات سنگینی که در غزه مرتکب شد -از حمایت قدرت‌هایی مانند آمریکا برخوردار می‌شوند. این رفتارهای متناقض با اصول اعلامی خود این کشورها و با معیارهای جهانی عدالت و امنیت، در عمل قابل پذیرش برای افکار عمومی جهان نیست. این دوگانگی نشان می‌دهد جهان امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند نقش آفرینی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌های مستقل و قدرتمند است.		
سازمان‌هایی مانند شانگهای می‌خواهند با ارائه تعاریف دقیق و واقعی از مفهوم تروریسم، سازوکارهایی را برای جلوگیری از سوءاستفاده سیاسی از این مفهوم ایجاد کنند.		

باشند، تصمیم دیگر دولت و رئیس جمهوری بود. ایجاد ایستگاه‌های شارژ برای خودروها و موتورسیکلت‌های برقی در شهرها، تأمین منابع برای سرعت دادن به اسقاط خودروهای فرسوده و برقی‌سازی تاکسی‌ها، از دیگر راهکارهایی است که دولت چهاردهم، بویژه در کارگروه‌های مرتبط با حوزه آلودگی هوا و با مأموریت دادن به معاون اجرایی رئیس جمهور دنبال می‌کند.

مسأله‌ای به نام تاریخ طولانی مسأله‌ها

نکته امروز مردم، یعنی امروزی که مردم روزها کارشان را در آلودگی هوا آغاز می‌کنند و در آلودگی هوا هم به پایان می‌برند، این است که این راهکارها چه زمانی عملیاتی می‌شوند و چه زمانی به نتیجه می‌رسند و درنهایت اینکه روزهای پاک برای تهران و دیگر شهرها چه زمانی از راه می‌رسد؟ برای فهمیدن اینکه این راهکارها چه زمانی نتیجه می‌دهد، باید به این توجه کرد که سابقه یا تاریخچه این مسأله‌ها چیست و چقدر است؟ به دیگر سخن، خصلت انباشتی بودن مسأله آلودگی هوا باعث می‌شود از سرعت به نتیجه رسیدن راهکارها کاسته شود. به عنوان مثال، برق کردن تاکسی‌ها فرآیندی زمانبر است، همچنان که راه‌اندازی ایستگاه‌های شارژ نیز. در عین حال، از رده خارج کردن حجم انبوه خودروهای فرسوده، دست‌کم به اندازه نصف زمانی که این خودروها وارد چرخه شده‌اند، زمان می‌برد. به عبارت دقیق‌تر، حل معضل آلودگی هوا، مسأله‌ای چند بعدی است که دستگاه‌ها و وزارتخانه‌هایی چون نیرو (تأمین برق و ایستگاه‌های برقی)، کشور (توسعه حمل‌ونقل عمومی)، نفت (تأمین گاز برای نیروگاه‌ها)، اقتصاد (ایجاد بازار برای گواهی صرفه‌جویی در مصرف سوخت) و مانند این را دربرمی‌گیرد. مهم‌ترین رکن در این زمینه، شهروندان هستند که به عنوان صاحبان خودروها، موتورسیکلت‌ها و نیز صاحبخانه‌ها، آیا تمایل به تغییر مصرف از بنزین به برق برای وسیله حمل‌ونقل خود و نیز تغییر مصرف از گاز به برق در خانه‌های خود را دارند یا خیر؟ و اگر این تمایل وجود ندارد، چطور می‌توان این همکاری را در راستای یک پروژه کلان ملی جلب کرد.

مسأله چند بعدی با راه حل چند بعدی

برخلاف تصویری که از درون ایران برای بیرون ایران ساخته می‌شود تا چه‌چرا بیگانه‌خواه و وضعیت ایران ارائه شود، وضعیت جامعه و دولت ایران نه تنها از هم گسسته نیست، بلکه دارای پیوستگی نیز هست. از بیرون چنین القا می‌شود که آلودگی هوا مسأله‌ای ماندگار برای ایران است. این القای نادرستی است. زیرا بقی این مسأله تا امروز، به معنای بقای همیشگی آن نیست. دلیل بی‌دوام بودن وضعیت فعلی آلودگی هوا، در راهکارها و سرعت راهکارهایی است که دولت در پیش گرفته است. برخی از راهکارهای دولت با سرعت مطلوبی پیش می‌رود؛ مانند تأمین برق از انرژی پاک خورشید که به بنا به آمار رئیس جمهوری، نیروگاه‌ها برق خورشیدی نصب شده در دولت چهاردهم ۷ برابر همه ادوار و همه دولت‌های گذشته است. هدف از این سرعت هم، تحقق این

همزمانی مسأله‌ها، یافتن راه‌حل‌های مرتبط دشوار می‌سازد. زیرا راه‌حل‌های همزمان به معنی تقسیم ظرفیت‌ها و تقسیم منابع دولت، اعم از منابع اداری و مالی برای حل مسأله است. این امر می‌تواند از سرعت اجرای راهبردها در هر حوزه، اعم از آب، هوا و معیشت و بکا همزمانی مسأله‌ها، یافتن راه‌حل‌های مرتبط دشوار می‌سازد. زیرا راه‌حل‌های همزمان به معنی تقسیم ظرفیت‌ها و تقسیم منابع دولت، اعم از منابع اداری و مالی برای حل مسأله است. این امر می‌تواند از سرعت اجرای راهبردها در هر حوزه، اعم از آب، هوا و معیشت و بکا 	همزمانی مسأله‌ها، یافتن راه‌حل‌های مرتبط دشوار می‌سازد. زیرا راه‌حل‌های همزمان به معنی تقسیم ظرفیت‌ها و تقسیم منابع دولت، اعم از منابع اداری و مالی برای حل مسأله است. این امر می‌تواند از سرعت اجرای راهبردها در هر حوزه، اعم از آب، هوا و معیشت و بکا همزمانی مسأله‌ها، یافتن راه‌حل‌های مرتبط دشوار می‌سازد. زیرا راه‌حل‌های همزمان به معنی تقسیم ظرفیت‌ها و تقسیم منابع دولت، اعم از منابع اداری و مالی برای حل مسأله است. این امر می‌تواند از سرعت اجرای راهبردها در هر حوزه، اعم از آب، هوا و معیشت و بکا
--	--

رزمایش ضدتروریستی سازمان شانگهای چرا در آذربایجان شرقی برگزار می‌شود؟

تعریف شرقی از تروریسم با مرجعیت ایران



از مقوله «تروریسم» است. در حالی که غربی‌ها به ویژه آمریکا طی دهه‌های گذشته تروریسم را به تروریسم خوب - مانند گروهک منافقین یا گروهک‌های تجزیه‌طلب در شرق و غرب ایران- و تروریسم بد یعنی گروه‌های محور مقاومت و گروه‌های آزادی‌خواه در منطقه تقسیم‌بندی کرده‌اند، برگزاری این رزمایش نشان می‌دهد سازمان شانگهای راهبرد دیگری را برگزیده است؛ این راهبرد که کشورهای شرقی هم می‌توانند و هم باید تعریف خود از تروریسم را داشته باشند. این تعریف، مستقل از تعریف غربی و دربرگیرنده واقعیت‌های عینی کشورهاست، نه تعریف‌های مبتنی بر منافع سیاسی غرب. زیرا تحریف‌های غربی گاهی تروریست‌های سوری را تحریم می‌کند و گاه از آنان در کاخ سفید پذیرایی می‌کند. به ویژه اینکه در ماه‌های اخیر، برخی کشورهای وابسته به غرب مانند استرالیا با تروریستی خواندن سیاه پاسداران سعی در جلب رضایت آمریکا و رژیم اسرائیل داشته‌اند. اما برگزاری رزمایش ضدتروریستی «سهند-۲۰۲۵» در آذربایجان شرقی و از قضا به میزبانی سیاه پاسداران، نشان می‌دهد نه چین و روسیه و نه دیگر اعضای

که قادر است امنیت این مسیرهای حیاتی تمدنی و بین‌المللی را در برابر هرگونه تهدید تروریستی، خرابکاری یا عملیات نیابتی تضمین کند. به دیگر سخن، دررزمایش «سهند-۲۰۲۵» به واقع، به هم‌پیماان شرقی ایران اطمینان می‌دهد که این عضو سازمان همکاری اطمینان شانگهای یک ضامن امنیتی قابل اعتماد است. از منظر اقتصادی نیز این رزمایش احتمالاً پیش درآمدی برای قراردادهای بزرگ‌تر خواهد شد. در همین رابطه رزمایش ضدتروریستی که از روز گذشته در منطقه شمال غرب کشورمان آغاز شده است، می‌تواند ضمن اعتمادسازی امنیتی، به عنوان مثال شتاب دهنده تکمیل قطعه رشت-آستارا در کردپور شمال-جنوب باشد. اساساً وقتی اعتماد امنیتی ایجاد شود، اعتماد سیاسی و اقتصادی نیز به‌طور طبیعی افزایش پیدا می‌کند.

اما جدای از هر چیزی، مهم‌ترین هدف این رزمایش را باید در حوزه دیپلوموزیکل جست‌وجو کرد. با توجه به رزمایش سال قبل در چین و برگزاری رزمایش امسال در ایران، می‌توان گفت سازمان همکاری اقتصادی شانگهای به دنبال تعریف مستقل و غیرغربی

دفاعی

علی عوض خواه
گروه سیاسی
 رزمایش مشترک ضدتروریستی «سهند-۲۰۲۵» که از دیروز در منطقه عملیاتی تیپ مکانیزه حصدرت امام زمان (عج) نیروی زمینی سپاه پاسداران در شهرستان شیبستر استان آذربایجان شرقی آغاز شده است، در ظاهر یک رزمایش پنج‌روزه ضدتروریستی است، اما در باطن یکی از رخدادهای راهبردی ایران در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. این دومین رزمایش مشترک ضد تروریستی سازمان همکاری اقتصادی شانگهای پس از رزمایش ۲۰۲۴ در «سین‌کیانگ» چین است که برای نخستین بار، ایران میزبانی آن را برعهده گرفته است. این امر نشان دهنده جهش جایگاه تهران از «عضو جدید» به «شریک محوری» در این پیمان بزرگ شرقی است.
برگزاری چنین رزمایشی در خاک ایران، همکاری‌های نظامی تهران با قدرت‌های کلیدی شانگهای را به مرحله عملیاتی و میدانی ارتقا داده است. موضوعی که پس از عضویت کامل ایران در سازمان همکاری اقتصادی شانگهای، پیام روشنی به همه‌ها دارد. این پیام که ایران در حال تبدیل شدن به یکی از محورهای اصلی این پیمان، به ویژه در حوزه امنیتی است. به نظر نمی‌رسد که انتخاب استان آذربایجان شرقی به‌عنوان محل برگزاری این رزمایش نیز تصادفی بوده باشد. این منطقه در نقطه تلاقی سه مسیر راهبردی منطقه‌ای و جهانی قرار دارد: کردپور بین‌المللی شمال-جنوب، مسیرهای انتقال انرژی از حوزه خزر به خلیج فارس و بندر چابهار و درنهایت، نزدیک‌ترین نقطه از خاک ایران به منطقه حساس قفقاز جنوبی و آسیای میانه نیز محسوب می‌شود. با توجه به این مسأله، ایران با انتخاب این منطقه برای برگزاری این رزمایش، این پیام را مخابره کرد